

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۳ • ۲۱ ذی‌القعده ۱۴۴۵ • ۳۰ می ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۴۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۳۵ • اذان صبح فردا ۳:۰۷ • طلوع آفتاب ۴:۵۰

۱.۲ تریلیون دلار

برآورد هزینه یارانه‌های آمریکا که به صورت اعتبارات مالیاتی بدون سقف ارائه می‌شود، از ۳۹۱ میلیارد دلار تا ۱.۲ تریلیون دلار برای «قانون کاهش تورم» و ۲۸۰ میلیارد دلار برای «قانون علم و تراشه‌ها» متغیر است. آمریکا با این یارانه‌ها به دنبال مهار تورم، پیروزی در رقابت انرژی پاک با چین، بازگرداندن تولید به قلب آمریکا، تقویت تولید داخلی نیمه‌رسانا و تقویت تحقیقات علمی است.

۵ هزار مهاجر

مارک میلر، وزیر امور مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا، اعلام کرد این کشور در چارچوب اقدام موقت ویژه به پنج هزار نفر از ساکنان غزه که بستگانی در کانادا دارند، ویزای الحاقی به خانواده اعطا می‌کند. ساکنان غزه که مایل به پیوستن به خانواده کانادا هستند، قبل از انجام غربالگری بیومتریک در مصر، باید از مقامات اسرائیلی برای ترک این قلمرو مجوز بگیرند.

فاطمه کریمخان

بهار سال گذشته یک نیلوفر را از دست دادیم و امسال بهار یک نیلوفر دیگر را. در طول سال ده‌ها و صدها نفر دیگر را از دست دادیم. هزار بار آه کشیدیم. صدها بار به آینه نگاه کردیم و گفتیم شاید هم بعدی من باشم. شاید هم بعدی در خانه من باشد. کسی چه می‌داند؟ مردن تنها وجه مشترک تمام کسانی است که یک روزی به دنیا آمده‌اند و تنها نسیمی است که هیچ‌کس هنوز نتوانسته از آن تن بیوشاند.

در مواجهه با هر مرگی یک بار دیگر به این فکر می‌کنیم که از این داغ جدا و رها نمی‌توان زیست دیگر. از فراموش کردن چهره و صدا و سلیقه عزیزان ازدست‌رفته‌مان به فراموش کردن حضورشان خواهیم رسید. عکس‌هایشان در گالری‌ها قدیمی‌تر و قدیمی‌تر خواهد شد و روزی می‌رسد که برای یادآوری آنها لازم باشد زیر جعبه‌های خاک‌گرفته و وسایل بیخودی انبارشده در زیرزمین را بگردیم.

با این حال تا آن روز وقت زیادی مانده است. داغ که تازه است، وقت حرف‌زدن از اینها نیست، حتی وقت حرف‌زدن از اینکه چه رنج بی‌نمری می‌کشیم در از دست دادن. وقت حرف از اینکه چطور از دست دادن هیچ چیزی به ما اضافه نمی‌کند، چطور هیچ درسی نمی‌گیریم و باز در از دست دادن بعدی پوست‌مان به همان اندازه قبل نازک است، نیست.



با شروع فصل کوچ و استقرار عشایر در بیلاق «پانوان» شهرستان دالاهو، عشایر این منطقه گوسفندان خود را پشم‌چینی می‌کنند. عشایر استان کرمانشاه یک و نیم میلیون راس دام در اختیار دارند و سالانه حدود هزار و ۶۸۷ تن پشم تولید می‌کنند. عکس: بهمن زارعی، ایرنا

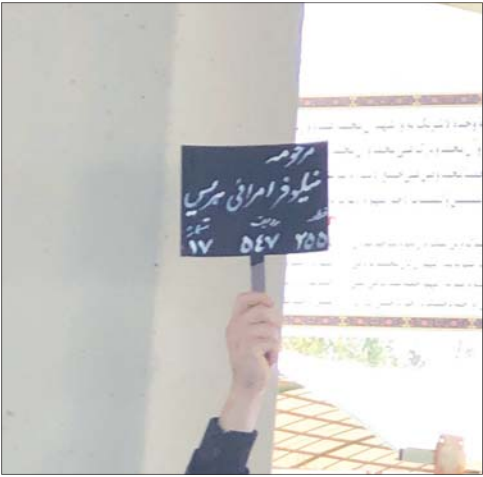
instagram:sharghdaily1 ‏twitter:sharghdaily ‏youtube:sharghdaily ‏Telegram:SharghDaily ‏aparat:tasvirshargh ‏www.sharghdaily.com ‏

وقتی رنج سهمش را از زندگی ما می‌خواهد

داستان مصیبت‌بار مرگ پسر درشکه‌چی که جخوف نوشته است، تصویری از این هست که چگونه حرف‌زدن از سوگ سخت‌ترین کارهاست، چگونه هیچ کوشی برای شنیدن نیست و هیچ دستی برای گرمی‌دادن به پشت‌های خمیده بلند نخواهد شد. دور از واقعیت هم نیست آنچه جخوف نوشته است.

فرار از مرگ و مردگان مسیری است که مدرنیته پیش پای ما می‌گذارد تا از بسیاری اضطراب‌ها رها شویم. اینکه در بیمارستان‌ها اجساد را از مسیری غیر از مسیر آدم‌های زنده منتقل می‌کنند یا شستن و دفن‌کردن را بر عهده گروهی متخصص وامی‌گذارند و دیگران را از آن برحذر می‌دارند، اینکه توصیه می‌کنند به جای حرف‌زدن با نزدیکان سراغ «مشاوران سوگ» بروید و اینکه آرا‌مستان‌ها را در جایی بسیار دور از شهرها می‌سازند، همه برای فرار از مرگ است. اگر نه از خودش، دست‌کم از فکر و خیالش. اگر نمی‌توان از مرگ حرف زد، آخرین راه ما برای کنارآمدن و گذرکردن از سوگ، «شنیدن» است.

در کاتارسیسه‌ی که از تماشای سوگ دیگران رخ می‌دهد، مواجهه با فاصله‌ای با از دست دادن محقق می‌شود که داغ را آرام می‌کند. حواس‌مان را از جای خالی که در خانه مانده، از حفره بلعنده‌ای که در دل‌مان مانده است، پرت می‌کند تا زمان بگذرد، تا سفری را با رنج طی کنیم و جایی سر بلند کنیم و چه کار دیگری می‌شود کرد غیر از رهاکردن خود و اندکی با دیگران بودن، وقتی غم از راه می‌رسد و سهمش را از زندگی ما می‌خواهد؟



داغ که تازه است، تنها می‌توان رنج برد و اجازه داد که رنج ما را با خودش ببرد هر جایی که خواست. ببرد تا نایمی‌دی، تا بی‌فایده‌بودن زندگی، تا حسرت تمام آن «می‌خواستیم و نشد»‌ها، «می‌خواستیم و نمی‌شود»‌ها، تا حسرت تمام آن «حیف شد»‌ها، «چه می‌شد اگر»‌ها، تا حسرت تمام آن «داد و بیداد»‌ها و ...

سوگواری را می‌توان به گفتن گذراند و می‌توان به شنیدن. در آن

شاهنامه‌خوانی

اسفندیار در روین دژ(۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

شتران بگذارد؛ بار همه جنگ‌افزار و از میان سپاهیان سد و شصت مرد از پهلوانان برگزیند که نهان آنان پدیدار نبود و بیست تن از نامداران را نیز که همه شمشیرزن و خنجرگذار هستند در جامه ساربان همراه گرداند و به پای هر یک از آنها کفش و بر تن‌شان گلیم کند و در بار این ساروانان تنها گوهر و زر و سیم باشد.

سپهد به سوی دژ روانه شد و چنان می‌نمود بازارگانی است به اندیشه سود و چون به دژ نزدیک شد، خود پیشاپیش کاروان برفت و با هیشاری و بیداردلی نگاه خود را در همه جای گرداند. چون بانگ درای کاروان شنیده شد، مردمان دژ خیردار شدند، فراوان یکدیگر را آگاه کردند و خود بشتافتند و در میان خود گفتند بازارگانی آمده که بسیار ارزان‌فروش است. بزگان دژ پیش آمدند همه خریدار کالاهای بازارگان بودند و از پارسالآر پرسیدند چه کالاهایی برای فروش آورده است. اسفندیار پاسخ داد پیش از هر خرید و فروشی باید از شاه فرمانی برای فروش دریافت دارد و چون فرمان دهد همه آنچه آورده است برای فروش به نمایش می‌گذارد. اسفندیار، بار شتران گذاشت و خود پیش رفت تا بازار خویش را گرم گرداند. در آغاز جایی پر از گوهر شاهوار برای بیشکشی به شاه همراه خود گرداند و با آن یک اسب و دو جامه از دیبای چین نیز بیآورد. جام پر از گوهر را با پارچه‌ای چون گلبرگ پوشاند و آن را به سنگ خوشبوی گرداند و با این کردار به نزدیک ارجاسب شد و چون در برابر ارجاسب بایستاد آن گوهرها به پیش فرو هشت و گفت: «با شهریاران خود پیوسته یار باشه، و افزود؛ «یکی از بازارگانی است که پدر ترک و مادر از آزادگان است، از توران شادمانه کالا به ایران می‌برد و از ایران شتران را بیاز زده به توران می‌رساند. کاروانی با او است که بار شتران آن پوشیدنی‌های زینا، گوهر و افسر و رنک و پوست، همه را فروشنده است و آنچه در اینجا چشم‌نواز باشد، خریدار است. در بیرون دژ لاله‌ها به جای گذارد با این پندار که همه کالاهای او در پنج شهره‌یار چین است. اگر شاه فرمان دهد کاروان را ساروانان به دژ آوردند و بدین گونه از مهر شاه بهره‌مند و در سایه بزرگواری‌اش آرام گیرند». ارجاسب پاسخ داد: «دل شاد دارد و از هر بدتنی خویش را آزاد بداند، در توران‌زمین کسی او را نیازدارد و فرمسان داد در دژ میدانی فراخ را برای نمایش کالاهایش به او بدهند و کلبه‌ای نیز در پیش کاخ ارجاسب بود و آن کلبه را نیز به اسفندیار برای آرمیدن و خفتن سپرد».

شبکه‌خوانی

چشم‌ها به رفح است



پس از بمباران و به‌آتش‌کشاندن چادرهای سازمان ملل در رفح، بسیاری از کاربران به این قتل‌عام واکنش نشان دادند. زنان و دختران آواره فلسطینی در این چادرها پناه گرفته بودند که پس از بمباران، در آتش سوختند. این اتفاق سبب شد تا بسیاری از کاربران به این اتفاق واکنش نشان دهند و طی ساعات اخیر بیش از ۳۳ میلیون کاربر در سراسر دنیا تصویری با عنوان «همه نگاه‌ها به رفح» را در صفحه اینستاگرام خود استوری کردند.

در آخرین کشتار جمعی غیرنظامیان فلسطینی، نیروهای اسرائیلی در حمله به «منطقه امن»، زنان و کودکان را در یک آتش بزرگ سوختند. الجزیره گزارشی درباره سلاح‌هایی که باعث چنین ویرانی شدند تهیه کرده است. در این گزارش آمده یک بمب با قطر کوچک GBU-39/B ساخت شرکت آمریکایی بوئینگ در تصاویر دیده می‌شود. همچنین طبق یافته‌های سی‌ان‌ان انتهای یک بمب با قطر کوچک GBU-39 ساخت ایالات متحده مشخص است. این داده‌ها مورد تأیید چند کارشناس اسلحه قرار گرفته است. وزارت بهداشت فلسطین بیانیه‌ای درباره این بمباران صادر کرده که به چند نکته در آن اشاره شده است از جمله اینکه اسرائیل عمدا خدمات بهداشتی را در رفح و شمال نوار غزه تخریب کرد. هیچ ظرفیت بهداشتی برای مقابله با کشتارهای بی‌دربی در رفح و شمال نوار غزه وجود ندارد. به گفته وزارت بهداشت فلسطین، گلوله‌باران مداوم توپخانه در رفح، رسیدن بیماران و تیم‌های بهداشتی را به تنها بیمارستان نیمه‌فعال در این شهر دشوار می‌کند.

پیشخوان

مشکل تاریخ‌نویسی ما

کتاب «مشکل تاریخ‌نویسی ما» با حضور نویسنده آن «مجید اسدی (راوش)» و سخنرانانی همچون «کیامهر فیروزی»، «جواد رنجبر درخشیلیر» و «شقایق» در مؤسسه بهاران برگزار شد. در این مراسم نویسنده در بخشی از سخنانش گفت: «سا ایرانیان به دلیل اینکه زبان فارسی را به مفهوم فلسفی کلمه بلد نیستیم، نمی‌توانیم تاریخ خود را بنویسیم» و برای این منظور به دو نمونه ازجمله اشتباه در برداشت معنای خرد و اندیشه پرداخت. نویسنده اعتقاد دارد که «به دلیل علیت‌گرایی ذهن ایرانی، ما نمی‌توانیم تابع روش تاریخ‌نویسی غربی باشیم، زیرا آنان علت را «دور باطل» دانسته و از چرایی به چونی می‌رسند». دکتر فیروزی، استاد تاریخ نیز به شرح تاریخ‌نویسی ایرانیان بعد از شکست در جنگ با روس پرداخت و بیان کرد: «این کتاب هرچند مشترکاتی با نوشته‌های قبلی دارد اما از آنها متمایز است». او به ضعف تاریخ‌نویسی ما اشاره کرد و معتقد بود که تجویزات فکری چپ در دهه‌های گذشته باعث ضربه‌ای بر تاریخ‌نویسی است. «جواد رنجبر، پیامی ویدیویی درباره این کتاب ارسال کرده بود که به بیان ویژگی‌هایش پرداخته بود. ازجمله مزایای کتاب را در اشاره به مشکلات اساسی تاریخ‌نویسی ما،مانند دخالت روشنفکر‌مآبی و ایدئولوژیک دیدن واقعیت‌ها و توجه به موارد مهمی در شاهنامه، همچنین سنت شاهنامه‌نویسی، در ایران و... دانست. «شقایق» در سخنانش به تقلیل تاریخ‌نویسی به وقایع‌نویسی اشاره کرد. در فصل نخست این کتاب با تعریف «تاریخ» و «مورخ کیست» روبه‌رو می‌شویم. در فصل دوم به دلایل ناتوانی در تاریخ‌نویسی ایرانی پرداخته می‌شود و مهم‌ترین دلایل آن کمست تاریخ تقویمی، ناتوانی در خواندن نصوص سنت، سرگشگی مکانی و زمانی، باختن واقعیات به القائات ایدئولوژیک و روشنفکر‌مآبی عنوان می‌شود. نویسنده در هر یک از این موارد با استناد به مصادیقی از نوشته‌های آل‌احمد، شریعتی، احسان طبری، نراقی و آریان‌پور، بحث را پایان می‌برد. در فصل سوم نویسنده با بررسی متونی همچون گات‌های زردشت، یشته‌ها، شاهنامه، تاریخ بیهقی و جهان‌نگشا، ادعا می‌کند که نیاکان ما از امروز بسی هشیارتر و تاریخی‌تر بوده‌اند. در آخرین فصل کتاب نیز به نقد تاریخ‌نویسی معاصر با بررسی چند کتاب مطرح تاریخی پرداخته می‌شود. از «مجید اسدی» پیش از این کتاب «حافظ و دانتسه» به چاپ رسیده است. کتاب «مشکل تاریخ نویسی ما» در ۲۹۰ صفحه در انتشارات یادینا منتشر شده است.

